



755

ضیاءالدین شادمان : هویدا و مسجد جمکران

("ایران شناسی"، سال 16، شماره 2، تابستان 83)

ایران شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

xalvat.com دوره جدید

xalvat.com

به پاس ۶۰ سال کوشش و پژوهش استاد ریچارد نلسون فرای
در عرصه های مختلف ایران شناسی

با آثاری از:

محمود امید سالار	پال اسپراک من
جلال خالقی مطلق	حمید تفضلی
سید ضیاء الدین شادمان	رسول رهایی
رضا صابری	شجاع الدین شفا (برگزیده ها)
محمد علی کریم زاده تبریزی	محمد علی همایون کاتوزیان
جلال متینی	حشمت مؤید
احسان یارشاطر	اردشیر محمصص (طرح)

مدیر
جلال متینی

نقد و بررسی کتاب
زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی
زیر نظر: ویلیام ال. هنووی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران
پیتز چلکوسکی، دانشگاه نیویورک
جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ
راجر سیوری، دانشگاه تورنتو
حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی
ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران
محمد جعفر محجوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.
نقل مطالب «ایران‌شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام
یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه‌ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

تلفن و فاکس: ۲۵۶۴-۲۷۹ (۳۰۱)

نشانی اینترنت: <http://www.iranshenasi.net>

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۴۸ دلار، برای دانشجویان ۳۸ دلار، برای مؤسسات ۹۰ دلار

برای سایر کشورها هزینه پست به شرح زیر افزوده می‌شود:

با پست عادی ۱۶ دلار

با پست هوایی: کانادا ۱۶/۵ دلار، اروپا ۳۵ دلار، آسیا و آفریقا و استرالیا ۳۹ دلار

حروفچینی کامپیوتری و تنظیم: مؤسسه انتشاراتی «پیچ»، واشنگتن دی. سی.

فهرست مندرجات

ایران شناسی، دوره جدید
سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳

به پاس ۶۰ سال کوشش و پژوهش استاد ریچارد نلسون فرای
در عرصه های مختلف ایران شناسی

بخش فارسی

مآلات

۱۹۷	جمل و دستبرد در طبع و نشر	جلال متینی
	یادداشت (۳۴): ۱۲۶ - فؤاد روحانی، ۱۲۷ - فرهنگ سخن،	احسان یارشاطر
۲۱۲	۱۲۸ - سهم زنان، ۱۲۹ - در جستجوی صبح	
۲۲۷	مُشکدانه (درنگی در ادبیات ساسانی)	جلال خالقی مطلق
۲۴۰	سعدی و وزیران	محمد علی همایون کاتوزیان
۲۵۳	برما چه ها گذشت؟	سیمین بهبهانی
۲۶۹	عجایب الدنيا و ابوالمؤید بلخی	محمود امیدسالار
۲۷۵	مرحوم هویدا و مسجد جمکران	سید ضیاء الدین شادمان
۲۸۲	سیمای شهری با دو نام	رسول رهایی
۲۹۳	سفالینه ای بی ارزش	رضا صابری

xalvat.com

برگزیده

	بازیابی فرهنگی، نیازحیاتی ایران امروز،	شجاع الدین شفا
۳۱۴	در خدمت سازندگی ایران فردا (۱)	

نقد و بررسی کتاب

۳۳۳	درس حافظ، تألیف محمد استعلامی، ۲ جلد	جلال متینی
-----	--------------------------------------	------------

ایران‌شناسی در غرب

- حشمت مؤید
مرآة المعانی، اثر جمالی دهلوی،
ترجمه سید گهراب
۳۴۱
حمید تفضلی
«مجموعه سکه های ساسانی»، نوشته میشایل آرام
۳۴۸
- ریکا گیزلین

xalvat.com

گلکشی در آثار فارسی

- ج ۴۰
معرفی ۱۴ کتاب و مجله
۳۵۳

اسناد تاریخی

- محمد علی کریم زاده تبریزی
معرفی ۵ سند
۳۷۰

خبرای ایران‌شناسی

- اعطای سیزدهمین جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی
به استاد ریچارد نلسون فرای
۳۷۷

طرح

- اردشیر محمص
پنج طرح
۳۸۶

نامها و اطناف نظر

- توضیح ایران شناسی،
دکتر حمید صاحب جمعی، ابراهیم فکوری
۳۹۱
۳۹۱

بخش انگلیسی

- نقد و بررسی کتاب
خلاصه مقاله های فارسی به انگلیسی

مرحوم هویدا و مسجد جمکران

xalvat.com

قبل از شروع مطلب، شاید بی مناسبت نباشد که علت تهیه این مختصر را یادآور شوم. چندی قبل برای دیدن اقوام و دوستان به واشینگتن رفته بودم. وقت کم بود و وظائف بسیار. می خواستم از این فرصت کوتاه حداکثر استفاده را ببرم، تا ضمن آگاه شدن از سلامت حالشان از محضر پر فیضشان نیز مستفیض گردم. به همین جهت از دوست دانشمند و ارجمندم جناب آقای نصیر عصار که خداوند طول عمرشان عنایت فرماید، تقاضا کردم اگر امکان دارد، در روزی که مزاحمشان می شوم عده ای از دوستان مشترک هم تشریف داشته باشند تا به یک کرشمه دو کار شده باشد. ایشان مثل همیشه خواهشم را پذیرفتند و عده ای از دوستان را به منزلشان دعوت کردند. جلسه بسیار خوب و پر باری برای من بود. موضوعهای مختلف مطرح شد و از هر دری سخن رفت. از جمله اوضاع فعلی منطقه جمکران و مسجد آن و بازار بسیار گرم کسب و کار و قیمت سرسام آور زمین و مستغلات در آن جا. من رویدادی را که مربوط به مسجد جمکران بود و خودم عامل اجرای آن بودم بیان کردم. آقای دکتر جلال متینی که از جمله مدعوین بودند و سابقه ارادت من به ایشان از خیلی پیشترهاست، بعد از شنیدن مطلب فرمودند چه خوب می شد که آن را می نوشتید. پیشنهاد بسیار خوبی بود که یک نوع روشنگری هم در آن وجود دارد. قبول کردم مطلبی تهیه کنم و برایشان بفرستم تا اگر مفید فایده بود آن را در فصلنامه ارجمند ایران شناسی درج فرمایند.

به گذشته نسبتاً دور برمی گردم. به زمانی که در مدرسه دارالفنون تحصیل می کردم. استاد ادبیات ما مرحوم آقای منطقی بود. او دانشمندی متواضع بود که همیشه عینک

نمره دار تیره رنگ به چشم داشت و لهجه شیرین آذرش را کاملاً حفظ کرده بود. درسش را در حال راه رفتن در کلاس می گفت. تکیه کلامش «آگاجان» بود، سخنش گیرا و صدای نازکش هنوز در گوشم طنین انداز است، ضمن نصایحش می گفت هروقت از رفتگان یاد می کنید او را مرحوم بگویید. چون در حدیث است که «أذكروا موتیکم بالخیر». آن مرحوم نه تنها استاد ادبیات ما بود استاد اخلاق هم بود که همه از آن مرحوم خیلی چیزها یاد گرفتیم. خدایش بیامرزد و روانش شاد باشد.

در ضمن درسش می گفت، آگاجان خبر آن است که در آن احتمال صدق و کذب می رود. مثلاً می گویند حسن می آید، ممکن است حسن بیاید ممکن است حسن نیاید. در مورد مسجد جمکران هم اخبار بسیار و متنوع است. به همین مناسبت احتمال صدق و کذب در آنها زیاد است، من برای این که احتمالات را به حداقل برسانم با شخصیتهای متعدد درباره مسجد جمکران مذاکره کردم. به منابع مختلف مراجعه کردم. آنچه در این مقاله آمده است چکیده و خلاصه مطالبی است که در بیشتر نقل قولها وجود داشته است. فراموش نکنیم که آنچه نوشته شده است حاصل تطبیق اخبار مختلف است که احتمال صدق و کذب در همه آنها می رود و صحت آن به عهده راویان اخبار است. همچنین در طرح موقعیت فعلی مسجد جمکران و دستورات مرحوم امیر عباس هویدا به هیچ وجه مسأله غیبت و ظهور حضرت صاحب الزمان (ع) مطرح نیست. آن مبحث دیگری است که جایش در این مقاله نیست. قصد من روشن ساختن سابقه به وجود آمدن مسجد جمکران است به روایات مختلف و دستور مرحوم هویدا و لا غیر.

جمکران کجاست؟ از شهر قم که به طرف شهر کاشان می رویم در سمت جنوب جاده آسفalte یک راه باریک خاکی مال رو وجود داشت که طول آن تقریباً ۱۰ تا ۱۲ کیلومتر می باشد. این جاده ساکنان ده جمکران را که بیشتر کشاورز بوده اند به جاده آسفalte وصل می کرده است. مرحوم دهخدا در لغت نامه آن را جمکران ذکر کرده است که نقل از مرآت البلاد است. همچنین در رساله یا کتابچه تفصیلی حالات و املاک و مستغلات دارالایمان قم که در سال ۱۲۹۶ هجری برای اعتضادالدوله نوشته شده است نام جمکران وجود دارد، ولی اسمی از مسجد در آن نیست. نام جمکران شاید چمکران هم باشد چون نام بیشتر دهات اطراف قم با حرف «ج» شروع می شود، اما جمکران امروزه به علت گسترش و توسعه فوق العاده شهر قم که مرکز استان شده است از یک طرف، و ایجاد تشکیلات و تأسیسات فراوان دیگر به سبب وجود مسجد از طرف دیگر، آن ده تقریباً به قم چسبیده است یا شاید بتوان گفت به سبب توسعه فوق العاده سریع و همه جانبه جمکران شهر قم

دارد به جمکران می چسبد! در جنوب ده جمکران کوههای نسبتاً بلندی وجود دارد که چون در قسمت جلوی کوهها دو قله شبیه به هم وجود دارد آن کوهها را دو برادران می نامند.

سابقه مسجد جمکران بنا بر اخبار و روایت راویان شیعه در ده جمکران شخصی به نام «مرحوم حسن بنی مثله» که بعدها به نام حسن جمکرانی معروف شد زندگانی می کرده است. بعضیها شغل او را چوبانی گفته اند. از قرار، این شخص ارادت مخصوصی به خاندان پیامبر اکرم داشته است و مورد وثوق مردم ده هم بوده است. مرحوم حسن جمکرانی گفته است، شبی در منزل استراحت می کردم. در رؤیا دیدم که عده ای به منزل من آمده اند. از میان آنها شخصی به من می گوید حسن بیدار شو و برخیز و برو اطاعت کن امر ولی عصر، که از تو می خواهند. مرحوم حسن جمکرانی از خواب بیدار می شود. اما در تاریکی به سختی می توانسته است لباسهایش را پیدا کند و پوشد و آماده رفتن شود. به هر تقدیر و با هزار مشقت لباسهایش را پیدا می کند و می پوشد و از منزل خارج می شود. در سر راه خود عده ای از اکابر و شخصیتهای محل را می بیند که ایستاده اند. به آنها سلام می کند و آنها هم به او احترام می گذارند. مرحوم حسن جمکرانی می گوید آنها مرا به محلی که بعداً مسجد جمکران در آن جا ساخته شد بردند. من با دقت همه جا را نگاه می کردم. دیدم جایگاهی با فرش مفروش شده است و اطراف آن را با بالشهایی پر کرده اند. در اطراف محل مزبور در حدود شصت نفر ایستاده بودند، بعضی از آنها لباسهای سفید و بعضی دیگر جامه های سبز به تن داشتند و همه در حال نیایش به درگاه خداوند تبارک و تعالی بودند. مرحوم حسن جمکرانی ملاحظه می کند که در روی فرش یک جوان در حدود سی سال و یک پیرمرد نشسته اند. پیرمرد کتابی در دست دارد و آن را برای آن جوان می خواند. مرحوم حسن جمکرانی می گوید ناگهان به من تفهیم شد که آن جوان امام زمان (ع) است. من جلورفتم عرض ادب و ادای احترام کردم و حضرت اجازه فرمودند که من بنشینم. حضرت صاحب الزمان (ع) به او می فرمایند، برو به رعیت آن زمین «حسن بن مسلم» بگو - حضرت «در این موقع با دست محلی را نشان دادند» - که تو مدت پنج سال است در این زمین مقدس زراعت می کنی، با این که چندین بار به تو تذکر داده و و اخطار کرده اند هنوز به کارهایت ادامه می دهی و به علاوه مدت پنج سال است که اجاره زمین را هم نداده ای. این زمین مقدس است، اهمیت و اعتبار مخصوص دارد و با زمینهای دیگر تفاوت فراوان دارد. تو زمین و اجاره پنج ساله را از او می گیری. حسن بن مسلم باید از زراعت کردن در این زمین دست بردارد. با مبلغ اجاره های عقب افتاده پنج ساله در روی این زمین یک مسجد می سازی. اگر پول کم

آوردید از محل اجاره «رَهَق» که در مشهد اردهال است، استفاده کنید که هم مسجد را بسازید و هم مخارج نگاهداری آن را از محل اجاره ده رهق تأمین کنید. مرحوم حسن جمکرانی به حضرت صاحب الزمان (ع) عرض می کند که حسن بن مسلم به حرفهای من توجه نخواهد کرد و قبول نخواهد کرد و من باید نشانیایی داشته باشم. حضرت می فرمایند که ما علامتهای مخصوص در مرزهای محل مسجد گذاشته ایم که دلیل راستگویی تو خواهد بود. در ضمن با سید ابوالحسن که او هم اهل جمکران است صحبت کن و او را همراه خود نزد حسن بن مسلم ببر و به این طریق که گفتم عمل کن. مرحوم حسن جمکرانی بعد از شنیدن اوامر امام دست به کار می شود و مسجد را بنا می کند. حسن جمکرانی گفته است، آن شبی که این اتفاق رویداد سه شنبه ۱۷ ماه رمضان سال ۳۹۷ هجری بوده است. من برای تحقیق بیشتر به مفاتیح الجنان مراجعه کردم، تاریخ تولد حضرت صاحب الزمان (ع) را سال ۲۵۵ هجری ذکر کرده است. در صورتی که تاریخ غیبت کبری سال ۳۲۹ هجری ست. که این تاریخ سال تولد فردوسی پاکزاد و وفات رودکی شاعر نامدار می باشد، و البته این دو تاریخ باهم نمی خوانند. یعنی سال تولد حضرت به روایت مفاتیح و روای حسن جمکرانی که برای حضرت سنی در حدود ۳۰ سال گفته است به هیچ وجه با هم مطابقت نمی تواند داشته باشد.

مسجد جمکران و دستور مرحوم هویدا و خواسته حضرات

در زمانی که خدمت در استانداری استان مرکز را به عهده داشتم، روزی مرحوم هویدا به من گفتند، سید^۱، این مسجد جمکران کجاست و چه وضعی دارد؟ گفتم تا آن جا که می دانم در منطقه ای به نام جمکران که در جنوب شهر قم است قرار دارد. اما من هنوز آن جا نرفته و آن را ندیده ام. گفتند حضرات آیات می خواهند که برای رفاه زائران و نماز گزاران اقداماتی شود. جاده اش اصلاح و اسفالت شود. یک چاه عمیق آب هم در آن جا حفر شود. خودت بدون جلب توجه به آن جا برو و بازدیدی از وضع بکن و با من صحبت کن تا ببینیم چه می توان کرد. چند روز بعد من به طور ناشناس به جمکران رفتم و از مسجد بازدید کردم. همان طور که قبلاً نوشتم از جاده اسفالت قه به کاشان در سمت جنوب یک جاده خاکی منشعب شده بود که به مسجد جمکران ختم می شد. این جاده خاکی مال رو، بر اثر عبور و مرور وسائط نقلیه موتوری عریض شده بود. اما همان پیچ و خمهای روزهای اولیه احداثش را حفظ کرده بود. دست اندازهای فراوان هم رانندگی را مشکل می کرد. علت باقی ماندنش به این وضع، شرایط اختصاصی بودن آن بود که مشمول هیچ کدام از خدمات وزارت راه نمی شد که نگاهداری و مرمت شود. با طی کردن آن جاده بعد از ده تا دوازده

کیلومتر به مسجد رسیدم، حیاط نسبتاً کوچکی بود که در یک گوشه آن چاهی دیده می شد. محل سرپوشیده نسبتاً بزرگی هم وجود داشت که از سطح زمین بالاتر ساخته شده بود. درهای آن محوطه رو به حیاط باز می شدند. در آن جا کنار یکی از اُرسی ها^۲ شخص معممی روی زمین نشسته بود. در آن موقع از روز که ساعت در حدود ۱۰ یا ۱۱ صبح بود در حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر برای نمازگزاری در آن جا بودند. من بعد از کمی گردش در حیاط به سمت آن شخص معمم میان سال لاغر اندام که نمی دانستم متولی ست یا آن روز بر حسب اتفاق در آن محل بود و نقش جانشینی متولی را بر عهده داشت رفتم. سلامی کردم و به زودی باب صحبت باز شد. در ضمن صحبت سؤال کردم سابقه این مسجد چیست و اهمیتش از چه بابت است؟ او شروع کرد به شرح کشفی راجع به حضرت صاحب الزمان دادن. وقتی مطمئن شد که زمینه آماده شده است که راجع به مسجد صحبت کند، گفت حضرت صاحب الزمان (ع) - در این موقع تکانی هم به خود داد که مثلاً می خواهد به احترام حضرت بایستد - دو رکعت نماز در این محل خوانده بوده اند و بعداً این مسجد در این جا ساخته شده است. روحانیت و اهمیت مسجد به سبب نماز گزاردن حضرت در این محل است. همچنین از آن شخص معمم سؤال کردم فلسفه آن چاهی که در حیاط وجود دارد چیست؟ او گفت به روایتی حضرت از این چاه غیبت فرموده اند! به او گفتم تا آن جا که من می دانم و همه می دانند حضرت صاحب در شهر سامرا^۳ که در کشور عراق است غیبت کرده اند. آن شخص در جواب من گفت: البته همه می دانیم که حضرت صاحب همه جا تشریف دارند و به همه امور واقف هستند. این چاه قرینه چاهی ست که در شهر سامرا وجود دارد ساخته شده است. کارزائران و حاجتمندان و ملتسمین به حضرت صاحب الزمان را که به این جا می آیند آسان کرده است. دردمندان به این جا می آیند و به سر چاه می روند و عرایضشان را به سمع حضرت می رسانند. بارها و بارها حاجاتشان روا شده است. معجزات فراوان داشته ایم. بعد از شنیدن این توضیحات باز هم سؤال کردم که تعداد نماز گزاران و زائران چند نفر است و احتیاجات آنها چیست. او جواب داد در شبانه روز به طور متوسط در حدود صد نفری به این جا می آیند و بعضی از آنها شب را هم در همین جا بیتوته می کنند. آنها از نبودن آب و سختی راه گله دارند. از او خدا حافظی کردم و طبق مرسوم حق الزحمه ای که معلوم بود منتظر دریافت آن می باشد دادم و به تهران مراجعت کردم. در اولین ملاقاتی که با مرحوم هویدا داشتم آنچه را که شنیده و دیده بودم برایشان بیان کردم. آن مرحوم با کمی تأمل گفتند، سید، مردم معتقداتی دارند. اگر زائران و نماز گزاران کمتر گرد و خاک بخورند و کمتر ماشینشان در دست انداز یفتد و آب سالم

بخورند اشکالی دارد؟ حضرات آیات هم در این مورد پافشاری می کنند. خودت انجام این دو کار را زیر نظر بگیر. یک چاه عمیق و یک جاده آسفالتی برای آن جا درست کن. گفتم بسیار خوب، اما استانداری بودجه برای این کارها ندارد و نحوه مصارف بودجه عمرانی هم کاملاً مشخص است. مرحوم هویدا گفتند به فکر بودجه اش نباش. من از بودجه نخست وزیری آن را تأمین می کنم. برو این کار خیر و عام المنفعه را تمام کن.

من برای این که کار صحیح و سریع انجام شود از مدیر کل راه و مسؤول سازمان آب و برق استان دعوت کردم و اجرای طرح را با آنها در میان گذاشتم. قرار شد یک چاه عمیق حفر شود. یک جاده با آسفالت گرم به عرض ۹ متر و دو شانه سه متری شنی ساخته شود. گفتم استانداری وسائل انجام این کارها را ندارد. وزارت راه و سازمان آب و برق با در نظر گرفتن تمام مشخصات فنی و مقررات مالی این کار را انجام بدهد. البته مدیر کل فنی استانداری هم نظارت کامل در اجرای مقررات و مشخصات فنی برای به پایان بردن این دو طرح خواهد کرد. درست به خاطر ندارم بعد از ۵ تا ۶ ماه هر دو طرح تمام و آماده بهره برداری شد. البته مرحوم هویدا در این فاصله از پیشرفت کار سؤال می کردند. روزی که پایان کار را به اطلاع ایشان رساندم، دیدم از این که برای عده ای که اعتقاداتی دارند و برای انجام اعتقادات خود ناراحتیهایی را تحمل می کنند وسائل آسایش بیشتری فراهم شده است چقدر احساس راحتی خوشوقتی کردند. گفتند سید، کار خیر و خوبی انجام شد. بهره برداری از آنها را شروع کرده ای. گفتم من غیر مستقیم و غیر رسمی در اختیار مردم گذاشته شده است و مدتی ست از آنها استفاده می کنند.

اما وضعیت امروز جمکران. بنا به گفته دوستان و آشنایانی که از ایران مراجعت می کنند جمکرانی که یک جاده آسفالتی ۹ متری و یک چاه عمیق خواسته حضرات برای آن جا بود و ساکنان و زائران آن منطقه با داشتن آنها به مقدار قابل ملاحظه ای از گرفتاریهاشان کم شده بود، امروز محل تردد صدها و هزاران نفر در سال شده است. ده جمکران تقریباً شهر شده است. مدرسه، خیابان آسفالتی، کوچه، بازار، درمانگاه، هتل و وسائل نقلیه عمومی دارد. مراکز قوای انتظامی و پست و تلگرام دارد. کسب و کار در آن جا رونق فراوانی گرفته است. علاوه بر زائران منفرد، تورهایی زیارتی و توریستی، نمازگزاران و زائران را برای چند روز به جمکران می برند. و این مسافران از گوشه و کنار ایران هستند. قیمت مستغلات در جمکران سرسام آور است. می گویند قیمت زمین در آن جا به متری ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان رسیده است!

زعمای قوم و دست اندرکاران امور مملکتی وقتی به قم می روند برنامه مسافرتشان را

طوری تنظیم می کنند که بتوانند به مسجد جمکران هم بروند و دو رکعت نماز مخصوص آن مسجد را هم بخوانند. سعیشان این است که مسافرت به نحوی برگزار شود که با سه شنبه تطبیق کند. چون حسن جمکرانی گفته است که سه شنبه شب هفدهم ماه رمضان سال ۳۹۷ هجری حضرت صاحب الزمان (ع) را در رؤیایی در آن جا ملاقات کرده بوده است. همچنین می گویند تحول سریع و فراوان فعلی جمکران اول کار است چون طرح بزرگ دیگری برای آن جا در نظر گرفته شده است که به موقع خود اجرا خواهد شد. به همین جهت منطقه جمکران باید از هم اکنون آمادگی و عظمت و ابهت قبول آن طرح بسیار مهم و بزرگ را داشته باشد. خواننده ارجمند، اینها هم خبر است که در آن احتمال صدق و کذب می رود. چنان که ملاحظه فرمودید، مرحوم حسن جمکرانی گفته بود حضرت دستور فرمودند در آن جا مسجدی ساخته شود در صورتی که متولی یا جانشینش به من گفت حضرت در این جا دو رکعت نماز خواندند. و بر محققین و مورخین فرض است که حاق مطلب را پیدا کنند و بنویسند تا تمام این ضد و نقیضها که در افواه است از میان برداشته شود و مرجع و منبع قابل اطمینانی باشد که اگر امثال من خواستند مطلبی بنویسند به آن مراجعه کنند.

مونتزال، کانادا

xalvat.com

یادداشتها:

- ۱- در دوران خدمت، سروران و دوستان همگی مرا «سید» خطاب می کردند.
- ۲- اُرسی. یک نوع درهای کوچک و کوتاه هستند که از پایین به بالا و به عکس بازو بسته می شوند. این نوع درها از روسیه به ایران آمده بوده است. چون در آن موقع مردم به کشور روسیه می گفتند «اُرس»، این درها را هم می گفتند اُرسی. این نوع درها در منازل بزرگ قدیمی هنوز وجود دارند. به کار گرفتن شیشه های رنگارنگ برای رساندن نور به داخل اطاق جلوه خاصی به آنها می داده است و بسیار زیبا هستند.
- ۳- سامرا یا سامره شهری ست که در ۱۰ کیلومتر شمال بغداد قرار دارد و در اصل به نام «سرّمن رای» بوده است. شهری ست زیارتی که مدفن امام علی النقی (ع) در آن جا می باشد. این شهر گدایان سمج دارد که مدتها دنبال زائران پیاده می دوند تا بخشی بگیرند، و از دست آنها خلاص نمی توان شد. اصطلاح «مثل گدای سامره» از این جا آمده است.

